

### ثبت «اصفهک» در فهرست بهترین روستاهای گردشگری جهان

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اعلام کرد: روستای «اصفک» در استان خراسان جنوبی، در فهرست بهترین دهکده‌های جهانی گردشگری در سازمان

گردشگری ملل متحد ثبت شد. به گزارش ایسنا، سیدرضا صالحی امیری گفت: اصفهک در قایت بین ۱۵۰ روستاد سطح جهانی، در فهرست بهترین روستاهای گردشگری ثبت شد. روستای کندوان، در استان آذربایجان شرقی سال گذشته وارد این فهرست شده بود و با ثبت اصفهک، تاکنون دو روستا از ایران وارد فهرست بهترین دهکده‌های گردشگری سازمان گردشگری ملل متحد شده است.

یادآور می‌شود، روستاهایی که توسط گردشگری سازمان ملل متحد معرفی می‌شوند از اطلاع‌رسانی بین‌المللی و امتیازهای تبلیغاتی به‌عنوان نمونه‌ای برجسته‌از یک‌مقصد گردشگری‌روستایی بهره‌مند می‌شوند و ضمن دریافت لوح بهترین روستاهای جهانی به‌مدت سه سال به عضویت شبکه روستاهای جهانی در می‌آیند. همچنین برای آن‌ها فضایی به‌منظور تبادل تجربه، آموزش و کمک به رشد گردشگری فراهم می‌شود.

□□□

### رئیس سازمان سینمایی اوج پس از ۱۵ سال استعفاداد

احسان محمدحسینی با اعلام استعفاى خود، از سازمان هنرى رسانه‌اى اوج خنداقتصادى كرد. روابط عمومي سازمان هنرى رسانه‌اى اوج با انتشار اطلاعيه‌اى از خداحافظى «احسان محمدحسینی» از سازمان اوج خبر داد و نوشت: «احسان محمدحسینی ۱۵ سال در سازمان هنری رسانه‌ای اوج فعالیت می‌کرد و از این پس به‌در کسوت مشاور هنری و رسانه‌ای اوج قرب فعالیت مشغول شد. ساسان زاغ به‌عنوان سرپرست سازمان اوج منصوب شد.

□□□

### جوایز اصلی فستیوال هانوی به «بی سروصدا» رسید

در مراسم اختتامیه هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی هانوی، جایزه بزرگ جشنواره برای بهترین فیلم و همچنین جایزه بهترین کارگردانی به مجیدضا مصطفوی و جایزه

بهترین بازیگر مرد به پیمان رسید. به گزارش مشاور رسانه‌ای پروژه، پیمان معادی که از مهمانان این جشنواره بود، به دلیل تداخل زمانی پرگزارى جشنواره با فیلمبرداری پروژه جدید سینمایی اش در امریکا، نتوانست در جشنواره حضور داشته باشد. این فیلم در تمام چهار رشته اصلی جشنواره از جمله بهترین بازیگر زن (هانیه توسلی و فرشته حسینی) نیز کاندید بود که جایزه این بخش به تینا تاراریت برای بازی در فیلم «هشت تصویر از دریاچه بویا» (نمانده سینمای استونی در اسکار ۲۰۲۵) رسید. فیلم سینمایی «بی سروصدا» بانام

بین‌المللی «HardShell» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مجیدرضا مصطفوی و با سرمایه‌گذاری صنایع غذایی و دانش بنیان دوسام، پیش از این نیز در چهل و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سلیمانوپولو برزیل برای اولین بار به نمایش در آمد و مورد تحسین مخاطبان و منتقدان قرار گرفت.

□□□

**صدور پروانه ساخت برای ۶ فیلم نامه**
شورای پروانه فیلمسازی در اولین جلسه دوره جدید با ساخت ۶ فیلم‌نامه موافقت کرد. به گزارش ایلنا به نقل از اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، فیلم‌نامه‌های «موسیو کمال»

به تهیه‌کنندگی، کارگردانی و نویسندگی حسین قاسمی جامی، «تاتور دشت» به تهیه‌کنندگی مهدی فرجی بزگر، کارگردانی سیدمحمد رضا درمندان سعدی و نویسندگی حمیداکبری خاتمه سر، «باد وحشی» به تهیه‌کنندگی سیدابراهیم عامریان، کارگردانی داود خیام و نویسندگی داود خیام و علی زرنگار، «فاصله بین دوشلیک» به تهیه‌کنندگی، کارگردانی و نویسندگی محمدرضا عرب، «ذوق مرگ» به تهیه‌کنندگی مساجده سرنی، کارگردانی سیدداود اطیابی و نویسندگی سیدحسام فرمندجو و لقمان خالدی و «پایلوتن در باغ زالو» به تهیه‌کنندگی احسان ظلی پور، کارگردانی و نویسندگی حامد محمدی روزبهانی موافقت شورای پروانه فیلمسازی سینمایی راخذ کردند.

□□□

**ممنوع الکاری هانیه توسلی رفع شد**
مشکلات و موانع ممنوعیت از کار هانیه توسلی برطرف شده است. براساس شنیده‌های موفق، او مقابل دوربین یکی از کارگردان‌های شناخته شده سینمای ایران هم رفته است.

شاید یکی از مهمترین ورعه‌های د کتر پزشکيان در زمان انتخابات در حوزه فرهنگ و هنر، باشعار وفاق ملی، در موانع و مشکلات هنرمندان پیرامون ممنوع‌الکاری بود. وزیر فرهنگ ارشاد اسلامی نیز چندی پیش از حل مسأله بر خى هنرمندان که ممنوع‌الفعاليت بودند، خبر داد و گفت: مسأله بر خى ديگر از هنرمندان هم در شرف بررسى‌هاى نهايى است. هانیه توسلی در بی‌برخی اظهار نظرهایش در سال ۱۴۰۱ از هر گونه فعالیت هنری منع شده بود.

□□□

### پخش فیلمی متناسب‌سازی شده برای نابینایان و ناشنوایان

فیلم «خطوط ناموزن»، متناسب‌سازی شده برای روشن دلان و ناشنوایان، برای نخستین بار امروز- ۲۴ آبان ماه -به روی آنتن شبکه نمایش سیما می‌رود. به گزارش روابط عمومی شبکه نمایش سیماد، این فیلم سینمایی آمده‌است: یک کارآگاه خصوصی به نام آلیس که با هدف جمع‌آوری شواهد برای پرونده مرگ یک بیمار در شرایطی مبهم به یک بیمارستان روانی رفته و تظاهر به پارانویمی کند، اما اقمیتی که آلیس در زمان حضورش در این بیمارستان روانی با آن روبرو می‌شود، فراتر از انتظار است و سلامت عقل او را زیر سوال می‌برد...
بازپخش «خطوط ناموزن» جمعه ۲۵ آبان ماه در دوتوبت ساعت ۹ و ۱۷ خواهد بود.



محمدحسن خدایی

این روزها حسن معینی در مقام نویسنده و کارگردان، بار دیگر به نمایش «آوینیون» که آن را مدتی پیش بر صحنه برده بود پرداخته و تلاش کرده در بازتولید این اجرای تجربی، خوانشی زنده از یک گروه تئاتری و حواشی‌اش ارائه کند. بنابراین با آنکه متن نمایشنامه تغییر چندانی نسبت به قبل نکرده اما اغلب نقش‌ها را زنان بازی می‌کنند و حتی نام نمایش هم به «زان آوینیون» تغییر یافته است. به هر حال زنده‌تر شدن فضای نمایش، استازاماتی را به همراه دارد که فی‌المثل در بدن مندی اجراگران مشهود است، آن هم در نسبت باسیاست‌های جنسیتی حاکم بر فضای کلی تئاتر رسمی کشور. لاجرم از دل این تغییر استراتژی، هویت اجتماعی متفاوتی برای بازیگران ساخته می‌شود که زنان نمایش نقش اصلی‌اش را بر عهده دارند و به باغ اثر گذارند. حسن معینی در جایگاه یک کارگردان تجربی تئاتر، در نمایش «آوینیون» روایتی ارائه می‌کنداز تلاش یک کارگردان جوان برای خوانشی تازه از تراژدی مکبث به میانجی آیین زار. اگر عنصر «خیانت» را یکی ازین مایه‌های اصلی شاهکار بی‌بدیل شکسپیر فرض بگیریم، این زدالت‌بشتری اینجا رنگ و بوی محلی به خود گرفته و از یک منظر حاشیه‌ای چون روستایی کوچک در ساحل جنوب ایران روایت می‌شود.

در نمایش «زنان آوینیون» خبری نیست از کارگردانی که مرد است و فرادستانه فرمان می‌راند و در باب زیباشناسی مورد نظرش، با راجاع به متفکرانی چون دلوز، بروسک و باربا، خطابه‌های آتشین قرائت می‌کند. این بار این کارگردان یک زن است که به تمامی نمی‌تواند جایگاه فرادستانه‌اش را فتح کند و همچون یک کارگردان مرکز نشین تئاتر که جنسیت مردانه دارد، اصالت و اهمیت مکبث شکسپیر را التکار کند. فروش نیک‌اندیش به مثابه یک زن بازیگر، این نقش را بازی می‌کند. زنی کارگردان که دست فرادستی می‌گیرد و از طریق حضور موثر صحنه‌ای دستورات کارگردانی صادر می‌کند. با آنکه کمابیش فرادستانه ظاهر می‌شود اما نکته اینجاست که به عنوان یک زن در اجتماع مردانه، همچنان متحمل ستم تاریخی است که نظام مردسالار به زنان اعمال می‌کند. جالب آنکه توانلیته صدا، نوع ایستادن و استقرار در صحنه و شیوه کارگردانی این زن، واجد صلابت و اقتدار است. او را قبل از این در نمایش «فعل» محمدرضایی‌راد به تماشانشسته بودیم

### برده نقره‌ای



درباره نمایش «زنان آوینیون» به نویسندگی و کارگردانی حسن معینی

# آن مکبث جنوبی که طغیان می‌کند و گرفتار زار است

که چگونه به عنوان یک مدیر مقتدر مدرسه دخترانه، نظم را برقرار می‌کرد و از اخراج و تنبیه زیردستان ابایی نداشت. ولی در «زنان آوینیون» گویی این حضور مقتدر زنانه، خراش‌هایی برداشته و از نفس افتاده است. چرا که حضور او به خوبی نشان می‌دهد حتی بازیگرانی که استعداد بازی نقش‌هایی مقتدرانه را دارند به مثابه یک زن، برای داشتن عاملیت دچار محدودیت‌هایی است و فرادستانه فرمان می‌راند و در باب زیباشناسی مورد نظرش، با راجاع به متفکرانی چون دلوز، بروسک و باربا، خطابه‌های آتشین قرائت می‌کند. این بار این کارگردان یک زن است که به تمامی نمی‌تواند جایگاه فرادستانه‌اش را فتح کند و همچون یک کارگردان مرکز نشین تئاتر که جنسیت مردانه دارد، اصالت و اهمیت مکبث شکسپیر را التکار کند. فروش نیک‌اندیش به مثابه یک زن بازیگر، این نقش را بازی می‌کند. زنی کارگردان که دست فرادستی می‌گیرد و از طریق حضور موثر صحنه‌ای دستورات کارگردانی صادر می‌کند. با آنکه کمابیش فرادستانه ظاهر می‌شود اما نکته اینجاست که به عنوان یک زن در اجتماع مردانه، همچنان متحمل ستم تاریخی است که نظام مردسالار به زنان اعمال می‌کند. جالب آنکه توانلیته صدا، نوع ایستادن و استقرار در صحنه و شیوه کارگردانی این زن، واجد صلابت و اقتدار است. او را قبل از این در نمایش «فعل» محمدرضایی‌راد به تماشانشسته بودیم



یک پدیده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی چون بدن، در یک جامعه مثل ایران این روزها، چگونه می‌توان رویت‌پذیر شود و امکان حضور در جامعه را داشته باشد. این بدن که شامل زنان و مردان بازیگر می‌شود، محدودیت‌هایی را تجربه می‌کند که در جامعه‌ای به اشکال مختلف وجود دارد. بنابراین تفاوت حضور بدن زنانه و بدن مردانه در پروژه پژوهشی حسن معینی، در اینجا و اکنون ما قابل اعتناست. در نمایش «آوینیون» بدن مردان در اجرا پذیر کردن آیین زار، آزادی عمل بیشتری داشته و در نمایش «زنان آوینیون»، بدن بازیگران زن به واسطه عرف و شرع، کیفیت حضور متفاوتی را تجربه می‌کنند. از این باب، بازتولید معنا در نسبت تئاتر ما با بدنمندی بازیگران زن و مرد.

از منظر بازی‌ها شاهد دو گروه از بازیگران هستیم، امیر جوشقانی و پناه بقایی که در اجرای «آوینیون» حضور موثری داشتند این بار هم تلاش دارند در خدمت گروه اجرایی باشند. همچنین فنروش نیک‌اندیش و یاسمن صفاپی برای اولین بار به «زنان آوینیون» پیوسته و رنگ و بوی زنانه نمایش را کیفیتی تازه بخشیده‌اند. بازی‌ها در کل خوب است و در خدمت اجرا البته جنس بازی عبدالحمید گسودری در مقام کارگردان در نمایش «آوینیون» تا حدود زیادی با شیوه بازی فنروش نیک‌اندیش تفاوت دارد. گسودری به مثابه یک کارگردان تجربه‌گرای ایرانی، با بدن مردانه‌اش، راحت‌تر فرمان می‌داد و بحران اخلاقی گسروه اجرایی را بر ملا می‌کرد. این قضیه در «زنان آوینیون» به نظر می‌آید کار بیشتری می‌طلبد و فنروش نیک‌اندیش گویی هنوز با نقش خویش کنار نیامده و در بعضی صحنه‌ها این تنش مابین نقش و بازیگر تا حدودی به چشم می‌آید.

در نهایت می‌توان گفت حسن معینی در دو اجرایی که بر صحنه آورده این نکته را متذکر شده که یک اجرا وقتی واجد حقیقت است که اجراگران برای رسیدن به نقش، صداقت پیشه کرده و پشتکار داشته و به خیانت متوسل نشوند. حربه‌هایی چون اغواگری برای نزدیکی به کارگردان و سفر به جشنواره آوینیون، امری است نکوهیده و مستوجب عقوبت. باید داد به در بازدهی آرایش در این موج بیم شنا کرد. موفقیت یا شکست، نه یک ارزش ذاتی، که نتیجه‌انبوهی از امکان‌ها و موانع بشری و تاریخی است. جشنواره آوینیون نه یک غایت که فرصتی است برای مسئولان اجتماع پیشروی انسانی، متشکل از جان‌های شوریده‌ای که به میانجی بدن‌هایی رهایی یافته رستگار شده‌اند.

□□□

داشت که کمترین پرداختی هم در راستای دکتر بودن او در فیلم‌نامه صورت نگرفته است و تنها به یک معاینه ساده چشم و تجویز تلفنی وضعیت خونی بیمار بسنده کرده است تا همین کاراکتر وضعیت اسفبار فیلم صحت را نمایندگی کند؛ مشث نمونه خورار.

**۳. ساختار: سریال ۹۰ شبی با سینمایی ۹۰ دقیقه‌ای!**
بسیاری از خنداها، ولگردی‌ها و دیالوگ‌های کاراکترها قابل حذف یا داده‌اند تا یک سسرال ۹۰ شبی است. حرکت مدام سرش صحت از سریال سازی به فیلمسازی باعث شده است در تمایز بین این غفلت شود. این حجم از دور دور کاراکترها با چه منطقی صورت می‌گیرد، یا ابتداختن یک پنهان ساده و تصادفی برای پیشبرد این حجم طولانی از رفت و آمدها کافی است یا فیلمساز باید تعهدات پهنری برای این اتفاقات در نظر می‌گرفت. تصادفی بودن اتفاقات در فیلم‌نامه‌های «الفرد هیچکاک» نیز به وفور مشاهده می‌شود، اما تصادفی بودن رویدادها هم اندازه دارد و نیاز به تسلطی است که هنوز سرش صحت به آن در چه توانایی نرسیده است و این اتفاقات بیش از آنکه در جهت داستانبویی و فضا سازی قصه باشد، در راستای سرگرم کردن و بهتر بگویم شیره مایلیدن سر مخاطب است.

**۴. انتخاب بازیگران: شایسته سالاری یا رفیق بازی!**
سروشکل شیک و آدم‌های به ظاهر جذاب و باحال فیلم شاید تنها امتیاز فیلم باشد، اما با مرور چندباره داستان و رویدادها به خوبی دست فیلمساز برای تماشاکر رو می‌شود. حضور «هوتن شکیبیا»، «بیژن بنفشه‌خواه»، «پژمان جمشیدی»، «هادی حجازی فر» و «بهرام رادان» جقدر مبتنی با ساختار فیلم‌نامه و ارتباط این افراد با نقش‌ها چه اندازه حاصل رفاقت صحت یا به قول معروف رفیق بازی بوده است؛ کاراکترهایی که فقط می‌خواهند باحال باشند و کار کرد در امراتیک و سمباتیکی برای ماندگاری در ذهن تماشاگر ندارند. «صبحانه با زرافه‌ها» فیلمی درباره خود سرشش صحت است؛ سرخوش، باحال، کتابخوان، فلسفی، شیک و جذاب، اما مشکل این است که این مضامین و مفاهیم تبدیل به سینما نشده و به قاب‌ها و فضاهای جذابی که حاصل فیلمبرداری و فضای فانتزی کار بوده، محدود شده است.

**۵. تقلید یاگر ته برداری، اقتباس یا کپی کاری!**
بحث تقلید، گر ته برداری، اقتباس و الهام از دیگر وجوه مهم فیلم صحت است. فیلم چه در قاب‌بندی و فیلم‌نامه و چه در میزاسمن و موقعیت‌ها به شدت یادآور برخی فیلمسازان معاصر سینمای جهان از «سندر سون» و «وینتر برگ» تا «هنگ اور» از «تاد فیلپس» است تا پارزل تصنعی بودن و جلوه گرایی فیلم دوم سرشش صحت با کپی کاری ناشیانه از برخی آثار شاخص سینمای جهان تکمیل شود. سرشش صحت خیلی علاقه‌مند بوده که فیلم خودش را که حاصل همزیستی شخصی و جهان ذهنی و فلسفی‌اش بوده است، بسازد، اما دریغ و صد دریغ که فیلم در ورطه تصنعی، فریبندگی، مضمون‌نمایی و خودشیفتگی افتاده و به ظاهری بی‌بدن و کالبدی بی‌روح بدل شده است.

همچنان که موقعیت جغرافیایی جنوب ایران، با تمام راز و رمزهایش، با تمامی جن‌ها و جن‌زدگی‌هایش، مستعد برپایی آیین‌هایی جمعی همچون زار است و تعامل مابین مردم عادی محل و جماعتی که مراسم زار را برپا کرده و برای بیرون راندن جن از بدن بیمار تلاش می‌کنند. پس جای تعجب نخواهد بود که حسن معینی اجرایی تدارک ببیند که تلفیقی است مابین درام مدرن با سنت‌های نمایش ایرانند. دل ایسن رویکرد پسامدرنیستی به جهان شکسپیر، قرار است تراژدی مکبث به میانجی مناسک محلی جنوب ایران، از نو روایت شود. صد البته این اجرای پسامدرن در لحظاتی به التقاط‌گرایی میسل می‌کند و به قولی هم‌زمانی عناصر ناهم‌زمان می‌شود. به هر حال این خوانش خاورمیانه‌ای از مکبث، دچار نوعی وجدان معذب است و زیر نگاه خیره «دیگری بزرگ» یا همان جشنواره آوینیون فرانسه. تنش که مابین زوج بازیگر با کارگردان در طول اجرا مشاهده می‌شود، نتیجه سال‌ها رویکرد استعماری است که فرانسویان نسبت به مردمان خاورمیانه اعمال کرده‌اند. پس نمایش «آوینیون» و «زنان آوینیون» تولید می‌شود تا آن جوان جوپای نام خاورمیانه‌ای که خود را کارگردانی با دانش می‌داند به جماعت «جشنواره پاکین» آوینیون طعنه بزند که «من ایرانی با تمام بدبختی‌هایم موجودی خودآیین هستم و این توانایی را در خود می‌بینم که مکبث خودم

وضعیت این زنان بازنایی است از یک موقعیت متناقض نمای تاریخی. ترکیبی از صلات و سرکوب، فرادستی و فرودستی هم‌زمان.

به لحاظ اجرایی، حسن معینی میل دارد یک اجتماع تئاتری بسازد که مابین اجراگر و تماشاگر، امکان تعامل وجود داشته باشد. سنت نمایش‌های ایرانی و اجراهایی که از دل سنت‌های محلی بیرون آمده‌اند اغلب مبتنی بر این تعامل پذیر می‌بوده‌اند. فی‌المثل تماشاگرانی که در یک مجلس شبیه‌خوانی حضور یافته و دل و جان به مناسک مذهبی می‌سپارند، در ساخته شدن آیین جمعی مردمان یک محله، نقشی اساسی دارند.

□□□

□□□

□□□

□□□

□□□

□□□

